محمدنبی حبیبی، دبیر کل «موتلفه اسلامی» در گفت‌وگو با «شرق»:

مصلحت انقلاب در فعالیت احزاب رقیب اصولگراست

نفیسه زارع‌کهن

دبیر کل ۷ اسماله، تنها هفده سال از حزبی که حالا ریاستش را سه دوره است بر عهده دارد بزرگ تر است و لابد برای همین هم هست که تمام و کمال از جوان‌گرایی حزبش دفاع می‌کند. محمدنبی حبیبی، دبیر کل موتلفه اسلامی هشت سالی هست که ریاست موتلفه را از حبیب‌الله عسگراولادی تحویل گرفته هر چند می‌گوید نباید برای شناساندن این سازمان هم هست که می‌گوید: «آقای احمدی‌نژاد و دوستان‌شان موضع‌شان، حمایت واعتنا به احزاب نبوده است. من زمانی که رایحه خوش در اختیار ایشان بود جمله‌ای به طنز دراین‌باره گفتم که: آقای احمدی‌نژاد با تحزب مخالفتی ندارند به شرط اینکه رایحه یک حزب به مشام ایشان خوش بیاید. اگر هم می‌گویم» به اعتقاد استاندار روزهای دور خراسان و تهران قرار نیست هرکس که منتقد می‌شود مخالف حتما از او پشتیبانی می‌کند و شرط کند به همین دلیل هم هست که از طبی مطهری حمایت می‌کند و می‌گوید: «اصولا اینکه ما یک تشکیلات حزبی را اینقدر کوچک کنیم که در هر دعوایی بیاید جانب یکی از طرفین را بگیرد درست نیست و من این را برای یک حزب حقارت می‌دانم. مگر اینکه دعوای واقعی حق و باطل باشد.» حبیبی در طول مصاحبه تغییرات در موتلفه و حضور زنان و جوانان را به چندین و چند سال پیش نسبت داد و لازمه پوست‌اندازی برای این حزب را به نوعی شایعه خواند.

حال موتلفه چطور است؟

تشکیلات ما چون از ۵۰ سال پیش با داشتن مرامنامه، اساسنامه و هدف مشخص و با تصمیم و اراده حضرت امام تشکیل شده؛ در این مدت احساس می‌کنیم که پایبندی‌مان را به نیات حضرت امام و مرامنامه و اساسنامه‌ای که حدود ۵۰ سال پیش با ویرایش نهایی مرحوم شهید بهشتی به تصویب شورای مرکزی رسیده ادامه داده‌ایم و به دلیل عدم هرگونه انحراف از مواریث اولیه‌مان احساس می‌کنیم که «موتلفه» حال خوبی دارد.

مدتی است که احزاب مشخصا اصولگرا مثل موتلفه، جامعه روحانیت و جامعه اسلامی مهندسین اعلام نوسازی و بازسازی کرده‌اند و به قول آقای عسگراولادی دارند پوست‌اندازی می‌کنند. علت این مساله چیست؟ چرا همه اصولگرایان همزمان با هم مشغول این کار شده‌اند؟

ما در موتلفه اسلامی هر سامل یکبار کنگره حزب را برگزار می‌کنیم و کنگره حزب یک ارزیابی از دوره سامل گذشته به عمل می‌آورد. خط مشی سامل آینده به تصویب می‌رسد. اگر پیشنهادهای برای تغییر در برخی از مواد اساسنامه وجود داشته باشد جای طرحش در کنگره است و شورای مرکزی جدید که تعدادشان ۲۰نفر اصلی و پنج‌نفر علی‌البدل است در این کنگره تعیین می‌شوند. این کار هم همان‌طور که اشاره کردم هر سامل یکبار انجام می‌شود. ضمنا اصل هفتم این موتلفه این است که بگویم جامعه مهندسین هم البته کاملا در سال گذشته‌اش تجدید نظر کرده بلوش. با دیدگاه‌های غیر از موضوعات عادی جامعه مهندسین و موتلفه‌اسلامی ندارد. به نوعی جوان‌گرایی هم نظرش مستحم و برنامه‌ریزی داشته باشد. این موتلفه در موتلفه‌اسلامی از نظر ما کلاهک روی بلوک است. حالا اینکه عدهای تصور کردند احزاب رقیب اگر به فکر جوان‌گرایی و قبل از همین لازم را داده‌ایم. کاملا روشن است که به این دو موتلفه از قبل همیت لازم را داده‌ایم.

پاسخ بخش دوم سوالم را ندادید! با گذاردن در دامنه جواب شما بپرسم این مقدار آقای عسگراولادی که گفتند از تمودی که ایشان دارند و اصلاح رویکرد و اصلاح چشم‌انی آید به خصوص حضور خانمها بالاخره این یک نقطه‌ضعف است، با توجه به اینکه شما می‌گویید این برنامه را چند سال است که داشته‌اند ولی هنوز آن نمودی که باید در بیرون داشته باشد و به چشم افراد بیرون جامعه و در سطح جامعه بیاید، ندارد.

در شورای مرکزی فعلی ما چهار نفر از اعضای آنها خانم هستند و برای دوره فعلی هم نیست. دوره‌های قبل هم بین چهار تا پنجنفر ما در شورای مرکزی از مجلس هفتم به بعد در حال رشد بوده است. پس برخلاف تصور موجود معتقدیم موتلفه در مقوله مجلس شورای اسلامی از نظر فرسنان نماینده‌گان عضو به مجلس نه اینکه کاهش نداشته بلکه رشد داشته است.

شما می‌گویید موتلفه از نماینده‌گان مجلس های دوره‌های مختلف عضوگیری کرده است. بنابراین فکر نمی‌کنید بین اینکه این افراد قبلا عضو موتلفه بودند و به سلطه عضویتشان در موتلفه رأی آوردند یا اینکه بعد عضو موتلفه شده‌اند، تفاوت وجود دارد؟

من قبل از اینکه دعوت از غیرموتلفه‌های نماینده/مطرح کنم نماینده‌گی را که کاژت عضویت داشتند و واژه شدند، مقایسه کردم من هیچ مقایسه‌ای بین مجلس هفتم، هشتم و نهم از نماینده‌گانی که بدون عضویت در موتلفه بعد از ورود به مجلس عضو موتلفه شدند، نکردم. یعنی هفت نفر به عنوان عضو موتلفه در مجلس هفتم وارد شدند، در مجلس‌های بعدی هم ۱۸ نفر با داشتن کارت عضویت موتلفه و ۲۰ نفر فعلی هم باز با داشتن کارت عضویت موتلفه وارد شدند. به این دلیل ما می‌گوییم در ورود به مجلس رشد داشتیم.

با این اوصاف چرا دبیر کل و قائم‌مقام موتلفه در تهران رای نیاوردند؟

این مساله باید بررسی شود که به چه دلیل دبیر کل و قائم‌مقام در تهران رای‌شان به حد نصاب نرسید.

چه چراغ حد نصاب نرسید؟

ما به رای مردم احترام گذاشتیم و معتقدیم رای مردم معتبر است. ممکن است دلایل متعددی داشته باشند. ما در انتخابات تهیه برای موتلفه هیچ‌گونه تبلیغاتی نکردیم. معتقد بودیم باید همه ظرفیت‌مان را صرف پیروزی جبهه متحد اصولگرایان در کل کشور کنیم. به‌خصوص در تهران (ما چهار نفرد داشتیم یکی بنده بودیم، یکی آقای دانچیان بود، یکی خانم افتخاری بود و یکسی هم خانم رهسلی) نو عضو ما که حالیها بودند رای آوردند و نو نفر ما رای نیاوردیم. اما اگر ظرفیت موتلفه را به خاطر اینکه برای جبهه متحد صرف کردیم هر تبلیغ و رسانه‌ای بود موتلفه در انتخابات تهیه‌می کردیم یقین دارم که نو نفر دبیر کل و قائم‌مقام هم رای می‌آوردند. اما ما معتقدیم جبهه متحد را به مصلحت موتلفه ترجیح دادیم. بنابراین هرچه امکان داشتیم برای فهرست ۲۰ نفره در مرحله اول و ۱۵ نفره در مرحله دوم تبلیغ کردیم.

با توجه به همه این توضیحات ولی باز این حال یکسری از افراد معتقد هستند که موتلفه از این دست مردم عادی در جامعه خیلی شناخته‌شده نیست مثلا آقای سلیمی‌نمین معاصبهای کرده و گفته بود موتلفه اگر شناخته‌شده نیست و یکی از دلایل رایحه چوه‌هایش در مجلس رای نیاوردند همین است و به نظر من باید اینبود یک تجدیدنظر کنید.

اینکه ما باید مطرح باشیم و رایحه از گذشته بشناسیم و یک کار تبلیغاتی صحیح نه غلوآمیز در مورد موتلفه داشته باشیم و بیشتر با زبان برنامه‌ای و مرتبط صحبت کنیم تا هم موقعیت گذشته و فعلی موتلفه را بیشتر به مردم توضیح بدهیم. قبول دارم در این رابطه معتقدم ما هم کوتاهی داشتیم. اینکه کسانی می‌گویند موتلفه رایحه‌ندارد یا مردم نمی‌شناسند. قبول دارم. من هم معتقدم اگر ما برای شناساندن موتلفه هم وزن وضع موجود موتلفه و هم روی وضع گذشته موتلفه بیشتر کار تبلیغاتی انجام دهیم بیشتر از نظر فکری بین مردم نمی‌ماند.

من چند روز پیش با آقای توفی تلفنی صحبت کردم چون چند آمده بودند پیش او اینکه مقدمات را دیگر فرات مستقل وارد عرضه شود. ایشان مطرح می‌کردند ما دیگر نمی‌خواهیم به عنوان تایدکننده یا ردکننده نظرات در جبهه متحد باشیم» ما می‌خواهیم خودمان برنامه داشته باشیم. حتی می‌خواهیم کاندیدا معرفی کنیم و با دست و پر در جلسات حضور بیشتر در مورد این بحث توضیحی می‌دهید. ضمن اینکه می‌خواهم بدانم قرار است از شورای مرکزی موتلفه کاندیدا معرفی شود؟

ما فعالیت‌های انتخاباتی‌مان را برای مجلس نهم از اوایل سال ۱۳۸۹ یعنی نزدیک دو سال قبل از انتخابات شروع کردیم. پیشنهادی در اجلاس دبیران انسال‌ها از اول سال ۱۳۸۹ قبل از انتخابات انتخاباتی را زدیم. در ابتدای کار هم گفتیم از همین الان افرادی که شایستگی نمزدی مجلس نهم را دارند اعم از کسانی که عضو موتلفه هستند یا اینکه عضو موتلفه نیستند ولی همفکر موتلفه هستند شناسایی شوند و روی این دو طیف کارشود. به این ترتیب شناسایی نامزدها به وسیله دفاتر ما در سراسر کشور انجام شد از مجموع این تلاش‌هایی که ما در داخل موتلفه توجه کاملا داشته باشیم این بود که از حدود یک دویست تا ۱۲۰ نفر از کسانی که موتلفه‌اسلامی به جبهه متحد معرفی کرده بود اکثر داخل مجلس هستند تعدادی از اینها هم عضو موتلفه هستند که بعد جبهه متحد آنها را تایید کرد که همان ۳۰ نفری که در مجلس هستند و تعداد آنها افزوده خواهشند.

پس اگر مجلس هفتم، هشتم و نهم را با هم مقایسه کنیم رشد قابل توجهی در ورود به مجلس داشته‌ایم. بنابراین تعداد اعضای موتلفه در مجلس

عکس‌ها: محمدرضا حیدری

دیگری برای جبهه دیگری فکر کنید. چون همه ما بلاتر از آقای عسگراولادی را در شورای مرکزی سراغ نداشتیم به اتفاق آرا و برخلاف میل آقای عسگراولادی به دبیر کلی ایشان رای دادیم به همین دلیل آقای عسگراولادی حدود هشت‌سال پیش بعد از اینکه شورای مرکزی جدید با انتخاب کنگره تشکیل شد گفتند من هال‌طور که در دوره‌های قبلی شورای مرکزی گفتم معتقدم که دبیر کل باید عوض شود. ایشان این اصطلاح را به کار گرفتند و گفتند که برای حزب خیلی بد است که دبیر کلی آنقدر بماند تا ثبت میز سکته کند. دوم اینکه گفتند حزب باید متکی به شخص نباشد ولو این شخص عسگراولادی باشد. حزب باید متکی به سیستم باشد. سیستم حزب باید دبیر کل انتخاب کند نه اینکه یک فرد مادام‌العمر دبیر کل باشد. به این ترتیب آقای عسگراولادی هشت‌سال پیش در جلسات اول شورای مرکزی این موقع را با جدیت کامل مثل دوره‌های قبلی مطرح کردند هر چند شورای مرکزی باز هم برخلاف میل آقای عسگراولادی به اتفاق آرا (ایشان) انتخاب کردند.

آقای عسگراولادی واقعا از انتخاب مکرر شدنم و گفتند من به شما گفتم که شما اگر دبیر کل جدید انتخاب نکنید دروقتی دارید حزب را متکی می‌کنید به یک نفر، که این برای حزب خطرناک است. گفتند من در مجلس نهم به احترام این رای شما نشین ماه می‌پذیرم که دبیر کل باشم. این نشین ماه از اول سال ۸۳ شروع شد. سر نشین ماه که تمام شد آقای عسگراولادی گفتند از آن نشین ماهه که من وعده کرده بودم تمام شد، شما دبیر کل انتخاب کنید یا نکنید من از روزهای آینده جبهه متحد آقای عسگراولادی را اداره خودم نخواهم بود. میل خودتان است. اگر نمی‌خواهید دبیر کل باشید بنشینید کسی را انتخاب نکنید. اما اگر می‌خواهید دبیر کل باشید بنشینید بدانید من در روزهای آینده پشت سر دبیر کلی موتلفه نخواهم نشست. به این ترتیب شورای مرکزی انتخاب کرد که این اولینبوم موتلفه است که در همین انتخاب آقای عسگراولادی کاندیدا جدی است. آن وقت شورای مرکزی جدید جلسه بعد از این اتمام جبهه احت آقای عسگراولادی تشکیل داد و دبیر کل جدید که بنده بودم را انتخاب کرد. حالا اینکه سه دبیر کلی من تو نو رحلا این دو نفر اجلا این دو نفر هرکس هستند) اختلاف باشد کسانی که این حرفها را می‌زنند بعضی‌های‌شان سوئیت دارند، بعضی‌های‌شان هم درک نمی‌کنند که در موتلفه‌اسلامی سر بست اصلا تا به حال دعوایی نشده، چون اینجا هر کس که وارد موتلفه می‌شود به نظر من اگر جز برای ذخیره اخروی وارد شود دنیا و آخرش را با همدیگر از دست می‌دهد. در موتلفه‌اسلامی خوشبخته نه‌تنها در سطح دبیر کلی، در سطوح دیگر هم ما جدال و جنجال و درگیری و تقابل سر بست و مقام‌ها و عنایات الهی نداشتیم و اصغا بسیاری از مسوولان موتلفه وقتی هم که انتخابی می‌شدند با اکثرام می‌پذیرند. در همان هشت‌سال پیش که نظر شورای مرکزی بر انتخاب من بود در همان اولین جلسه اعلام کردم من داوطلب دبیر کلی حزب موتلفه‌اسلامی نیستم.

بااین وجود شورای مرکزی با اکثریت قاطع بعد از اینکه آقای عسگراولادی اتمام حجت کردند به من رای دادند. در دوره دوم دبیر کلی هم اول جلسه گفتم که من داوطلب دبیر کلی نیستم اگرچه باز هم انتخاب شدم، دوره سوم هم که الان در حال اتمام است در جلسه شورای مرکزی اعلام کردم که من داوطلب دبیر کلی نیستم و جلسه اینجلسه که در دوره سوم رای‌اش را بیستر از دوره دوم بود و این تمایل شورای مرکزی را نشان می‌داد. بنابراین من این موضوع را که در موتلفه‌اسلامی دعوا سر پست وجود داشته باشد، تکذیب می‌کنم.

یعنی الان انتخابات دبیر کل جدید بر گزار نشود شما دبیر کل می‌مانید یا خیر. چون می‌گویید تمایلی برای دبیر کلی ندارید؟

وقتی که شورای مرکزی انتخاب می‌شود یکی از وظایف بعد از انتخابش در جلسه اول با دوم انتخاب دبیر کل جدید است. این دبیر کل می‌تواند دبیر کل قبلی باشد و می‌تواند هر فرد دیگری باشد. بنابراین اینکه چه کسی دبیر کل موتلفه‌اسلامی بعد از کنگره خواهد بود بستگی به نظر شورای مرکزی جدید دارد.

یکی بالاخره فکر می‌کنم روی یکسری از افراد فکر می‌کنید یا حداقل بین چند نفر صحبت‌هایی شده باشد.

هیچکس تا به حال مطرح نشده است نه در شورای مرکزی و نه در جبهه دیگری موتلفه هیچ شخصی. چه برای جبهه و چه از طرح یک دیدگاه‌اتوری مطرح نکرده است.

چند روز پیش یک خبرگزاری منتشر کرد در دور اختلافات موتلفه در جلسه‌ای در فرحزاد می‌خواستیم بدانیم رئیس‌اتان اختلافات چیست؟ اظهار اگفته شده که در آن جلسه بحث شده که چرا یکسری افراد در انتخابات مجلس به یکسری افراد رای می‌دادند و بعد این بحث بالا گرفته و باتوجه به اینکه این بحث در این دوره از سمت یک سایت اصولگرا مطرح شده، می‌خواستیم بدانیم علت این چیز چه بود؟ ضمن اینکه نکته دیگری هم مطرح شده است که آن این است که می‌گویند بین آقای حبیبی و آقای عسگراولادی بر سر دبیرکلی اختلاف ایجادشده. این گفته‌ها چقدر درست است؟

اصل این خبر که موتلفه برای رفع اختلافات تشکیل جلسه داده یک دروغ بزرگ است. اصلا ما چنین جلسه‌ای تشکیل ندادیم که بخواهیم در آن چنین موضوعی را مطرح کرده باشیم. ما در شورای مرکزی فضای بازی داریم، یعنی هرکس می‌تواند نظرات خودش را وجود آینکه می‌داند آن کسی که کنار نشسته یک نظر متفاوت دارد بدون هیچ واهمه‌ای راحتی مطرح کند منتها در هر حزبی اختلاف سلیقه‌هایی به طور طبیعی وجود دارد و نمی‌توانیم بگوییم همه در داخل حزب ما یک جور فکر می‌کنند. در جلسات مسایل سلیقه‌ها و نظرات مطرح می‌شود و نهایتا یک رای‌گیری می‌شود و هم نظری که رای اکثریت آورد آن نظر، نظر شورای مرکزی می‌شود. بنابراین ما مثل بقیه احزاب یک فضای باز بین خودمان به وجود آوردیم که همه نظرات ولو با اختلاف در آنجا مطرح شود. این مخصوص یک جلسه خاص نیست و در هر تصمیم‌گیری شورای مرکزی رویس‌شوا اتفاق می‌کند که این موضوع مورد بحث است موافق و مخالف صحبت کنند همان کاری که در مجلس ما در جار جای دیگری انجام می‌شود. بنابراین تعبیر اینکه موتلفه برای حل اختلافات جلسه تشکیل داده یک تعبیر دروغ است اما اینکه همه اعضای شورای مرکزی‌مان در همه مسایل زمینی و آسمانی مثل هم فکر می‌کنند چنین چیزی نه ممکن است وجود داشته باشد و نه در موتلفه است.

دروغ دوم اینکه بین آقایان حبیبی و عسگراولادی سر دبیرکلی اتفاق افتاده است. من یک موضوع تاریخی اتفاقا امروز از رسانه شما مطرح می‌کنم که با این وضوح تا به حال در جلسه مطرح نکرده‌ام.

اولا آقای عسگراولادی نفر اول موتلفه هستند؛ یعنی همه ما آقای عسگراولادی را یک معلم بزرگ هم در امر تشکیلات و هم در امر اخلاق سیاسی و هم در آن کلمه‌ای که اسلام را رسمیت می‌شناسیم و اگر آقای عسگراولادی بنده را به عنوان شاگردشان قبول کنند به نظرم به من لطف بزرگی می‌کنند. اینها کلیشه‌هایی است که در حق من و آقای عسگراولادی شاگرد خوبی هستم و هر دو با حزب جمهوری نیست امتیازاتش بیشتر از عضو حزب جمهوری باشد. فقط ما از فرد غیرحزبی بگی همفکر را نفرد خواهیم کرد اما اگر هر دو اینها مساوی باشند. فقط آن عضو حزب را مرفعی می‌کنیم چون این عضو علاوه بر مساوی بودن امتیازاتش با آن فرد غیرحزبی یک امتیاز دارد و آن اینکه تشکیلاتی کار خواهد کرد. اگر هم از اینها به این نتیجه رسیدیم که عضو حزب ما امتیازاتش از غیرعضو بیشتر است طبیعی است که بنابراین ما سیاست‌مان در انتخابات رئیس‌جمهوری دقیقا چیزی است که من برای شما توضیح دادم.

پس این اولویت برای شما عضویت در حزب نیست؟

به طور طبیعی هر حزبی توجیهش به داخل تشکیلات خودش است یعنی ترجیح می‌دهد از داخل خودش مسوولیت بگیرند. اما زمانی که یک حزب با این سوال مواجه باشد که یک نفر همفکر غیرحزبی امتیازاتش بیشتر از عضو حزب است به نظر طبیعی اگر نخواهد انحرافاتی پیدا کند و گروه‌گرایی است باید به کسی رو کند که امتیازاتش بیشتر است. این خصوصیت در موتلفه هم هست یعنی ما در انتخابات‌های مختلفی که شرکت کردیم ترجیح دادیم نفرات جبهه متحد را بیشتری کنیم و گفتیم مصلحت جبهه متحد را مصلحت موتلفه بالاتر است.

با این اوصاف اگر بخواهید پیش‌بینی کنید چنددرصد احتمال می‌دهید که ممکن است کاندیدای شما عضو موتلفه باشد؟

من گمسودی در داخل موتلفه برای تصدی مجلس، شوراها و رایسجمهوری احساس نمی‌کنم اما این حرف کلی که یک وقت دیگر احمدلرطبی و محمدتاجری و جلسه اینجلسه که ما دیدمان‌اش را بگیریم. بنابراین در بابت این تمایل شورای مرکزی نظرم دستمال موتلفه‌ای باشد در مجلس و رای می‌خواهیم معرفی کنیم یا به خواهیم بروم یا دیگران به دلیل مصلحت جریان اصولگرایی رقابت‌کنیم. از آن دو حل حزل جلوی جریان اصولگرایی را حال‌ها که برای رقابت‌جمهوری اعلام کردیم که من حزب موتلفه‌اسلام